

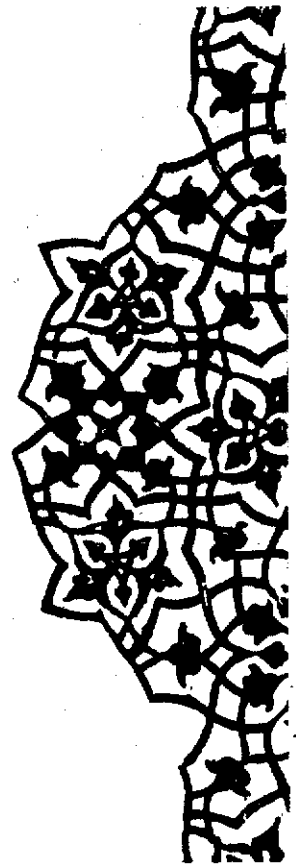
تشکیلات قضایی پاکستان

سر ویس ترجمه متون و مقالات خارجی

دیوان عالی کشور می تواند قوانین صادره از سوی مجلس شورای ملی را که مغایر با اصول قانون اساسی است کالعدم اعلام نماید.

دیوان عالی تنها مرجع رسیدگی به کلیه اختلافات فیمابین دولت فدرال و حکومت های ایالتی بوده، رای آن جنبه اعلامی (نظری) دارد.

شورای عالی قضایی در مدت تحقیق در مورد یک پرونده، از اختیاراتی معادل دادگاه عالی کشور برخوردار است، و لذا می تواند هر کسی را به دادگاه احضار نماید و دستور صادر کند که کلیه مدارک مورد نیاز برای تحقیق را در اختیارش بگذارند و کسانی را که در راه تحقیق مانع ایجاد می کنند مجازات نماید.



مقدمه

کشمکش میان دولت و قوه قضائیه پاکستان که از چند ماه پیش بوسه تعداد قضاات دیوان عالی کشور پاکستان آغاز شده بود با محاکمه نواز شریف، نخست وزیر پاکستان، توسط دیوان عالی پاکستان وارد مرحله تازه ای شده و در حقیقت به یک منازعه سیاسی تبدیل شده است.

سید سجاد علی شاه، رئیس دیوان عالی کشور پاکستان، که سال قبل بنابر دعوت حضرت آیت الله محمدی گیلانی، ریاست دیوان عالی کشورمان، به صورت رسمی و نسبتاً مفصل از جمهوری اسلامی ایران دیدار کرد و در این دیدار با مسئولین عالی رتبه قضائی کشورمان گفتگو کرد و راههای بسط و گسترش مناسبات حقوقی و قضائی را مورد بحث قرار داد، اینک پیش از هر زمان دیگری به عنوان یکی از اهرم های

اصلی قدرت در پاکستان مطرح است. سید سجاد علی شاه با موفقیت توانست تعداد قضاات دیوان عالی کشور را در همان تعداد ۱۷ نفر سابق تثبیت نماید و نواز شریف را به اتهام توهین به قوه قضائیه پاکستان به دادگاه احضار نماید و بدین وسیله توانست اقتدار دستگاه قضائی پاکستان را در برخورد با مسئولین اجرائی و سیاسی نیز به جهانیان نشان دهد.

دائری با امید به ادامه اقتدار دستگاه قضائی پاکستان در شناسایی و دستگیری متهمین به قتل شهیدان مظلوم گنجی، رحیمی و ۳ تن از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که اخیراً به دست گروهک وهابی سپاه صحابه به شهادت رسیدند، در این شماره تصمیم گرفت در بخش معرفی تشکیلات قضائی کشورها به معرفی تشکیلات قضائی کشور پاکستان پردازد. باشد که چون گذشته مورد توجه علاقه مندان واقع

گردد.

سر ویس ترجمه متون و مقالات خارجی

سازمان قضائی پاکستان

قانون اساسی پاکستان در ۱۰ آوریل به وسیله، مجمع ملی این کشور تصویب و از ۱۴ آگوست ۱۹۷۳ اجرا شد. بند ۳ ماده ۱۷۵ قانون اساسی، موجبات جدایی دستگاه قضائی را از قوه مجریه به طور گسترده مهیا ساخت. در رابطه با جداسازی دستگاه قضائی از دستگاه اجرائی نیز گامهایی برداشته شد؛ از جمله به مجمع عمومی ۲۳ اکتبر ۱۹۹۱ اعلام شد که در دیوان عالی کشور کمیته ای به منظور تهیه مقدمات و لوازم اجرای مفاد بند ۳ ماده ۱۷۵ تشکیل شود.

موضوع ماده مزبور در واقع مربوط به پیوستگی اختیارات حکومتها، لیکن در محدوده اقدامات کمیته و تحت نظارت دیوان عالی کشور است. قانون اساسی چگونگی تشکیل ارکان مختلف قوه قضائیه

و اختیارات آنها را بیان نموده است که ذیلاً تشریح می‌گردد.

دیوان عالی کشور

دیوان عالی کشور بالاترین مرجع قضائی است و اعضای آن عبارتند از رئیس کل قضائی پاکستان به همراه تعداد دیگری از قضات که طبق قانون و یا از جانب رئیس جمهوری تعیین می‌شوند. مقر دائمی دیوان عالی در اسلام‌آباد است و دارای دو عضو در کراچی و یک عضو دائمی در لاهور است، رئیس دیوان عالی کشور به تشخیص خود و با موافقت رئیس جمهوری ممکن است شعب دیگری در سایر مناطق تشکیل دهد.

سن بازنشستگی قاضی دیوان عالی کشور ۶۵ سال است؛ مگر اینکه وی زودتر استعفا کند و یا به موجب قانون از سمت مزبور برکنار شود. به هر حال قاضی نشسته دیوان عالی کشور در مقابل هیچ دادگاه یا هیچ مقامی در کشور مسؤول نخواهد بود، ضمناً فردی به عنوان قاضی دیوان عالی برگزیده می‌شود که تبعه پاکستان بوده، حداقل به مدت پنج سال در مقام قاضی یک دادگاه عالی و یا ۱۵ سال به عنوان وکیل دادگاه عالی خدمت کرده باشد.

دیوان عالی کشور مرجع نهائی برای حفظ قانون اساسی و مرجع پژوهشی آرای صادره از دادگاه عالی ظرف ۱۰ روز از تاریخ صدور است و رسیدگی آن دارای دو جنبه ابتدائی و پژوهشی است. دیوان عالی تنها مرجع رسیدگی به کلیه اختلافات فیما بین دولت فدرال و حکومت‌های ایالتی بوده، رأی آن جنبه اعلامی (نظری) دارد. در مورد جنبه‌های حقوقی مشکلات عمومی ناشی از اجرای قوانین، در مواردی که رئیس جمهوری از دیوان عالی کشور کسب نظر می‌کند، این مرجع اعلام نظر مشورتی می‌نماید.

ماده ۱۸۸ قانون اساسی، دیوان عالی کشور را نسبت به کلیه موضوعات مربوط به مجلس و کلیه مقررات مصوبه از ناحیه آن، برای بررسی و اظهار نظر قبل از انتشار یا صدور هر دستوری، صالح می‌شناسد. پژوهش از هر نوع رأی، دستور نهائی یا هر حکمی از دادگاه عالی به دیوان عالی کشور ارجاع می‌شود؛ در صورتی که دیوان گواهی نماید که موضوع حاوی یکی از حقوق مهم، مانند تفسیر قانون اساسی است.

دیوان عالی کشور بی‌جز در موارد استثنائی، می‌تواند فقط از ناحیه فرد متظلم

با رسیدگی مجدد، نسبت به رأی قبلیش تجدیدنظر کند و دارای اختیار صدور رأی نهائی در هر دعوی، به منظور حمایت از هر شخص یا کشف حقیقت می‌باشد و می‌تواند افراد را در هر مقامی که باشند احضار و یا هر نوع سند و مدرکی را جهت بررسی مطالبه نماید.

رأی دیوان عالی کشور در سراسر کشور پاکستان لازم‌الاجراست و قانون اساسی کلیه امکانات قضائی و اداری در تمامی کشور را برای کمک و معاضدت دیوان مهیا می‌سازد. هرگونه تصمیم‌گیری دیوان عالی کشور در اتخاذ رویه ثابت راجع به یک مسأله قضائی یا مبتنی بر نظریه‌های مشخص اصول حقوقی، در سایر دادگاه‌های کشور لازم‌الرعایه است.

دادگاه عالی

دادگاه‌های عالی در رأس دستگاه قضائی هر استان قرار دارند. در حال حاضر چهار دادگاه عالی استان در لاهور، پیشاور، کوئته و کراچی وجود دارد. قانون اساسی، برای دیوان عالی کشور هیچ‌گونه اختیار نظارت اجرائی بر دادگاه عالی قائل نیست. فقط برخی موارد در ماده ۱۹۳ بند ۱ پیش‌بینی شده؛ از جمله اینکه ریاست جمهوری هنگام انتصاب قضات دادگاه‌های عالی با رئیس دیوان عالی کشور مشورت می‌نماید. مجمع استان هیچ‌گونه اختیاری در مورد تغییر اساسنامه یا تشکیلات دادگاه عالی ندارد و این اختیار تنها برای مجمع ملی باقی است. به همین‌گونه است انتقال قضات دیوان عالی کشور و دادگاه عالی که در اختیار شورای عالی قضائی است. رسیدگی‌های این شورا و گزارش آن به رئیس جمهوری و انتقالات قضات حسب ماده ۲۰۹ (بند ۶) قانون اساسی در هیچ دادگاهی نمی‌تواند مورد اعتراض قرار گیرد. هر دادگاه عالی ایالتی توسط یک رئیس کل و تعدادی قضات اداره می‌شود که تعداد آنها به موجب قوانین تعیین می‌شود. قاضی دادگاه عالی باید دارای ۴۰ سال سن و تبعه پاکستان باشد و دارای سابقه خدمتی حداقل ۱۰ سال به عنوان وکیل دادگاه عالی و یا ۱۰ سال خدمت کشوری (که نوع آن را قانون مشخص می‌نماید) و حداقل سه سال به عنوان قاضی دادگاه بخش و یا ۱۰ سال به عنوان متصدی دفتر حقوقی باشد. سن بازنشستگی قضات دادگاه عالی ۶۲ سال است؛ مگر اینکه استعفا کنند و یا طبق قانون

اساسی جایه جا شوند.

رسیدگی قضائی دادگاه عالی، رسیدگی بدوی و پژوهشی هر دو را دربرمی‌گیرد و این دادگاه به درخواست تجدیدنظر علیه رأی صادره از دادگاه‌های مدنی و جنائی بخش، رسیدگی می‌کند. در مورد حکم مجازات اعدام، حتی اگر محکوم تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد، اجرای آن مشروط است به صدور تأییدیه دادگاه عالی. دادگاه عالی اختیار نظارت و کنترل کلیه دادگاه‌های تابعه را دارد. رسیدگی و تصمیم‌گیری دادگاه عالی راجع به امر یا مسأله حقوقی، کلیه دادگاه‌های تابعه را ملزم به رعایت آن می‌نماید. تصمیم‌گیری قضائی دادگاه عالی، ممکن است به موجب یک ماده واحده قانونی که توسط پارلمان به تصویب می‌رسد، نه فقط برای قسمتی از ایالت، بلکه برای سراسر مناطق کشور، تعمیم داده شود.

دادگاه شریعت فدرال

دادگاه‌های شریعت به موجب قانون سال ۱۹۷۹ در حوزه چهار دادگاه عالی تشکیل شده و از تاریخ دوم ماه مه ۱۹۸۰ استقرار یافته‌اند. دادگاه از رئیس کل دادگاه و هفت قاضی، مشتمل بر سه تن از علما تشکیل می‌شود و رئیس دادگاه شخصی است که صلاحیت عنوان قاضی نشسته دادگاه عالی را داشته باشد و قاضی شریعت نیز باید واجد شرایط عضویت در دادگاه عالی باشد. انتخاب این قضات به وسیله رئیس جمهوری برای مدت حداکثر سه سال خواهد بود؛ مگر اینکه رئیس جمهوری مجدداً آنان را منصوب نماید.

وظیفه دادگاه شریعت تشخیص مطابقت قوانین موضوعه با دستورات دین مبین اسلام، بر طبق ضوابط قرآن و سنت است، و به منظور ایجاد صلاحیت بیشتر برای آن، به موجب قوانین دیگری، تمام تخلفات قابل مجازات در شرع در ارتباط با اجرای حدود، راجع به اموال، نظامات شرعی، کذب و زنا در دادگاه شریعت فدرال پذیرفته خواهد شد. این دادگاه حق دارد که در اجرای وظائفش، افراد را احضار، شهادت شهود را استماع و اسناد مربوط به دعوی را از مراجع ذی‌ربط مطالبه نماید. مرجع پژوهشی دادگاه شریعت دیوان عالی کشور است و چنانچه فردی از حکم دادگاه شریعت متضرر شود، حق دارد از حکم صادره به دیوان عالی کشور شکایت کند که رسیدگی به این‌گونه شکایات در شعبه‌ای متشکل از سه قاضی مسلمان و یک

کمیسیون حقوق پاکستان

به منظور حفظ حقوق و برطرف ساختن کاستی‌های حقوقی، یک کمیسیون حقوقی دائمی به ریاست عالی‌ترین رئیس کل قضائی پاکستان تأسیس گردیده است و اعضای آن پنج نفر هستند که براساس پیشنهاد رئیس کل قضائی برای مدت سه سال از طرف حکومت فدرال منصوب گردیده‌اند. اعضای کمیسیون از میان قضات، حقوقدانان، اعضای شورای عقیدتی اسلامی و اساتید حقوق انتخاب شده‌اند. وظایف اصلی آن عبارت است از:

۱. شکل دادن و تطابق مقررات حقوقی با تغییرات نیازهای عقیدتی جامعه پاکستان و مفاهیم قضائی جامعه اسلامی؛
۲. اقتباس رویه‌های ساده و مؤثر برای اجرای قوانین و تسریع رسیدگی قضائی و کم هزینه نمودن آن؛

۳. تنظیم و ترتیب مواد قانونی و مسائل حقوقی برای برطرف نمودن چندگانگی حقوق در موضوع واحد؛

۴. خارج نمودن موارد غیرعادی و حذف موارد غیرقابل استفاده یا غیرضروری در قوانین؛

۵. ساده‌سازی حقوق برای درک ساده آن و برداشتن گامهای مؤثر برای ایجاد آگاهی حقوقی در جامعه؛

۶. ایجاد مقدمات تغییر در اداره امور قضائی و برطرف کردن ناهماهنگی‌های حقوقی بین مصوبات قانونی و یا مجمع ایالتی؛

۷. مطالعه نظام فعلی تحصیلات حقوقی و ارائه توصیه‌هایی به حکومت فدرال برای پیشبرد سطح این آموزشها.

دانشگاه قضائی

حکومت پاکستان یک دانشگاه قضائی فدرال تأسیس نموده است؛ با این هدف که قضات را برای رسیدگی قضائی سریع به نحو ساده و کم هزینه آموزش دهند. این مؤسسه در پیشبرد نظام قضائی و اجرای آن نقش یک محور را ایفا خواهد کرد و همچنین هدایت تحقیقات را در موضوعات و مسائل مهمه که توسط قضات یا حقوقدانان به آن ارجاع می‌شود، برای تسهیل وظایف دادگاهها به عهده دارد.

نظام قضائی پاکستان

نظام قضائی پاکستان ۵ رکن اصلی دارد: یک دیوان عالی کشور در رأس و ۴ دادگاه

د) محاکمه اشخاصی که در «قوانین دفاعی پاکستان» معین شده‌اند.

آرای صادره از دادگاههای اداری در مواردی که قانون مشخص می‌کند، قابل رسیدگی مجدد در دیوان عالی کشور است.

دادگاههای ویژه برای استرداد وام

دولت فدرال به موجب ماده ۵ قانون شرکتهای بانکی، راجع به استرداد وام مصوب ۱۹۷۹ به منظور سرعت بخشیدن به دعاوی وامهای اعطائی توسط بانکهای ملی به اشخاص مختلف که تاکنون بدون جبران خسارت مانده‌اند، دادگاه ویژه‌ای را با یک قاضی، برقرار نموده است.

دادستان کل پاکستان

دادستان کل از طرف رئیس جمهوری به این سمت منصوب می‌شود و باید حائز شرایط قضاوت در دیوان عالی کشور باشد. حفظ و اداره دفتر قضائی به عهده اوست و از وظایف دادستان کل، توصیه و راهنمایی دولت فدرال در موضوعات قانونی و اجرای سایر تکالیف قانونی است که دولت فدرال به وی ارجاع نموده و یا اختصاص داده باشد. دادستان کل در اجرای وظایفش، حق حضور در تمامی دادگاهها و جلسات محاکمه را دارد.

دادستان استان

هر ایالت دارای یک دادستان استان است که از جانب فرماندار استان ذی ربط منصوب می‌گردد و باید حائز شرایط برای احراز سمت به عنوان قاضی دادگاه عالی باشد. در ارتباط با استان، وظایف وی همان است که برای دادستان کل کشور وجود دارد.

وکلائی حقوقی

به موجب قانون شورای وکلا، هر دادگاه عالی مشتمل بر گروهی از وکلایست که در امور قضائی آن ممارست دارند. تمامی وکلا، در دیوان عالی کشور به توسط این گروه از وکلا راهنمایی می‌شوند و هیچ وکیل با سابقه‌ای مجاز به حضور در دادگاه بدون یکی از کارآموزان حقوقی نیست. در حال حاضر کلیه شرکتهای و مؤسسات صنعتی با سرمایه بیش از پانصد هزار روپیه، با پرداخت حق‌المحل از داشتن یک مشاور حقوقی بهره‌مند می‌گردند.

دادگاههای ویژه

برای رسیدگی به جرائم خشونت‌بار (این جرائم در ماده ۲۱۲-ب ممتعم قانون اساسی، جنایات و قبیح نامیده شده است) که از نظر منافع عمومی نیاز به محاکمه سریع است، دادگاههای ویژه تشکیل گردیده‌اند. هر دادگاه ویژه دارای یک نفر قاضی است که باید واجد صلاحیت لازم برای انتصاب به سمت قاضی دادگاه عالی باشد و از سوی حکومت فدرال بعد از مشورت با ریاست دادگاه عالی، به این سمت گمارده خواهد شد. دادگاه مزبور مکلف است ظرف مدت ۳۰ روز به پرونده ارجاعی رسیدگی و حکم صادر کند. رأی این دادگاه در دیوان عالی کشور قابل استیناف است.

دادگاههای ناحیه‌ای (بخش)

هر ایالت به مناطقی تقسیم می‌شود و هر منطقه از حیث رسیدگی به دعاوی جزائی و حقوقی، تحت نظارت دستگاه قضائی و یا یک دادگاه اصلی قرار دارد که این دادگاه به وسیله یک قاضی بخش که توسط فرماندار ایالت بر طبق قانون اساسی با نظر رئیس کل دادگاه عالی منصوب می‌شود، اداره می‌گردد. تمامی انتصابات دیگر برای خدمات قضائی مناطق ایالتی، توسط فرماندار ایالت براساس توصیه و پیشنهاد شورای عمومی ایالت و با نظر دادگاه عالی صورت می‌پذیرد. رؤسای دادگاههای بخش که به دعاوی جزائی رسیدگی می‌کنند، با نظر حکومتهای ایالتی منصوب می‌شوند.

دادگاههای اداری

حسب ماده ۲۱۲ قانون اساسی به موجب مواد قانونی می‌توان یک یا چند دادگاه اداری برای رسیدگی به موارد خاص قضائی تشکیل داد؛ از جمله:

الف) موضوعات مربوط به شرایط شغلی و امور انضباطی کارمندان دولت و موضوعات مرتبط با مقررات اداری؛

ب) امور مرتبط با دعاوی ناشی از شبه‌جرم نسبت به دولت که از ناحیه کارمند دولت و یا هر مقام محلی یا قانونی برای اخذ مالیات یا ازدیاد آن صورت گرفته باشد و یا خروج از حدود وظایف از ناحیه کارمند دولت؛

ج) موضوعات مربوط به تملک، تسلط و واگذاری اموالی که متعلق به دشمن

عالی ایالتی در ذیل آن.

رئیس دیوان عالی کشور را رئیس جمهوری منصوب می‌کند. و سایر قضات و از جمله رؤسای دادگاههای عالی ایالتی نیز با مشورت و توصیه رئیس دیوان عالی کشور و توسط رئیس جمهوری منصوب می‌گردند.

دیوان عالی کشور پاکستان مرکب از یک رئیس و چندین قاضی است که تعداد قضات را مجلس شورای ملی و یا رئیس جمهوری تعیین می‌کنند.

شرایط لازم برای تصدی ریاست دیوان عالی کشور

۱. حداقل ۵ سال در یک دادگاه عالی ایالتی در سمت قاضی انجام وظیفه نموده باشد؛

۲. حداقل ۱۵ سال در یکی از دادگاههای عالی وکالت کرده باشد.

رئیس دیوان عالی کشور تا ۶۵ سالگی می‌تواند عهده دار مسؤلیت باشد. در صورت خسالی شدن پست ریاست دیوان عالی کشور رئیس جمهوری ارشدترین قاضی دیوان عالی کشور را به عنوان کفیل رئیس دیوان عالی کشور منصوب می‌نماید.

در صورت خالی بودن منصب یک قاضی دیوان عالی کشور، رئیس جمهوری یک قاضی واجد شرایط لازم دادگاه عالی ایالتی را - حتی اگر بازنشسته باشد - به عنوان قاضی دیوان عالی کشور منصوب می‌نماید.

رئیس جمهوری حق دارد که انتصاب یک قاضی را لغو نماید.

رئیس جمهوری می‌تواند برای تصمیم‌گیری در مورد یک موضوع دارای اهمیت ملی و عمومی، آن را به دیوان عالی کشور ارجاع نماید و نظر دیوان عالی کشور را در مورد آن جویا شود.

رئیس دیوان عالی کشور در مقابل رئیس جمهوری و سایر قضات دیوان عالی کشور در مقابل رئیس دیوان عالی کشور سوگند یاد می‌کنند.

در صورت بروز اختلاف بین دولت فدرال و دولتهای ایالتی، دیوان عالی کشور در مورد تنازع آنها نظر خود را اعلان خواهد کرد. چنانچه موضوع مورد اختلاف مربوط به منافع ملی و عامه مردم باشد آنها موظف به پذیرش رأی دیوان عالی کشور خواهند بود.

در موارد ذیل حکم صادره از سوی

دادگاههای عالی ایالتی را می‌توان به دیوان عالی کشور ارجاع نمود:

۱. در صورتی که دادگاه عالی ایالتی حکم تیره‌ای را که قبلاً صادر نموده بازپس بگیرد و یا حکم صادره قبلی را به مجازات مرگ، حبس ابد - تبعید ابد افزایش دهد؛

۲. اگر دادگاه عالی ایالتی پرونده‌ای را برای محاکمه از یک دادگاه پایین تر خارج کند و محاکمه را در دادگاه عالی ایالتی انجام دهد و متهم را به یکی از مجازاتهای: مرگ، حبس ابد و تبعید ابد محکوم نماید؛

۳. چنانچه ارزش مورد دعوا بیش از ۵۰ هزار روپیه باشد.

دیوان عالی کشور می‌تواند با در نظر گرفتن عدالت و برای اجرای بهتر عدالت پرونده‌ای را از یک دادگاه عالی ایالتی گرفته و به دادگاه دیگری ارجاع نماید.

دیوان عالی کشور می‌تواند حکمی را که صادر کرده مجدداً مورد بررسی و تجدیدنظر قرار دهد.

دادگاههای عالی ایالتی موظف به پذیرش دستورات دیوان عالی کشور هستند و کلیه مسؤولین قضایی و اجرایی در سراسر کشور با دیوان عالی کشور همکاری خواهند کرد.

دیوان عالی کشور وظیفه پاسداری از حقوق اساسی شناخته شده در قانون اساسی را برعهده دارد، وظیفه تفسیر قانون اساسی نیز بر عهده دیوان عالی کشور است.

نظر دیوان عالی کشور در مورد تفسیر قانون، نظر مشورتی است و لذا رئیس جمهوری موظف به عمل به آن نیست و به سادگی می‌تواند آن را نادیده بگیرد. دیوان عالی کشور می‌تواند قوانین صادره از سوی مجلس شورای ملی را که مغایر با اصول قانون اساسی است کالعدم اعلان نماید.

پس از کودتای ژنرال ضیاءالحق در ۱۹۷۷ و اصلاحیه هشتم قانون اساسی، اختیارات دیوان عالی کشور محدود شد، طبق این اصلاحیه دادگاه عالی پاکستان حق تصمیم‌گیری و اظهار رأی در مورد حکومت نظامی - حالت فوق‌العاده و فرمانهای ریاست جمهوری و همچنین اختیارات قانونی رئیس جمهوری ندارد.

در بعضی از بخش‌ها و مناطق پاکستان، رؤسای دادگاههای بخش علاوه بر امور قضائی امور اجرایی را برعهده دارند که خلاف عدل و انصاف است. برای رفع این نقیصه در قانون اساسی ۱۹۷۳ پاکستان

پیش‌بینی شده بود که بعد از گذشت ۳ سال قوه قضائیه کاملاً از قوه مجریه جدا خواهد شد، ولی به این خواست قانون اساسی عمل نگردید و طبق متمم هشتم قانون اساسی این مدت به ۱۴ سال افزایش یافت. در تاریخ ۱۳۶۶/۵/۲۳ این مهلت به پایان رسید، ولی هنوز قوه قضائیه کاملاً از مجریه جدا نشده است. عملکرد قضات پاکستان تاکنون موجب گردیده که عملاً امکان استقلال قوه قضائیه از قوه مجریه فراهم نگردد.

دادگاههای عالی ایالتی

هر ۴ ایالت کشور دارای یک دادگاه عالی هستند. اختیارات این دادگاههای عالی ایالتی برابر و یکسان است. دولت‌های ایالتی در ترکیب و شکل دادگاه عالی ایالتی نمی‌توانند تغییری به وجود بیاورند. دادگاه عالی ایالتی مرکب از یک قاضی القضاة و چندین قاضی است که تعداد آنان را قانون تعیین می‌کند. رئیس جمهوری با مشورت استاندار ایالت ذی‌ربط و رئیس دیوان عالی کشور، قاضی القضاة دادگاه عالی ایالت را تعیین می‌نماید. رئیس جمهوری ملزم به رعایت نظر استاندار ایالت ذی‌ربط و رئیس دیوان عالی کشور نیست.

شرایط تصدی پست قضاوت در دادگاه ایالتی

۱. تابعیت دولت پاکستان؛
۲. حداقل ۴۰ سال سن؛
۳. حداقل مدت ۱۰ سال وکالت در یکی از دادگاههای ایالتی؛
۴. حداقل مدت ۱۰ سال انجام دادن وظیفه در یکی از سمت‌های دولتی که از این مدت، حداقل ۳ سال را باید به عنوان قاضی بخش انجام وظیفه کرده باشد؛
۵. حداقل یک منصب قضاوت را تصدی کرده باشد.

رئیس دادگاه عالی ایالت در مقابل استاندار، و سایر قضات در مقابل رئیس دادگاه عالی ایالت سوگند یاد می‌نمایند.

رئیس جمهوری می‌تواند یک قاضی را از یک دادگاه عالی به دادگاه عالی دیگر منتقل نماید؛ به شرط اینکه رضایت وی جلب شده باشد.

قضات دادگاه عالی ایالتی در ۶۲ سالگی بازنشسته می‌شوند؛ مشروط بر اینکه قبل از رسیدن به این سن استعفا نکرده باشند و یا به جرم سوءاستفاده با توصیه شورای عالی قضایی از کار برکنار نشده باشند.

قضات پاکستان در طول خدمت خود محدودیت‌هایی از لحاظ تصدی امور سودآور دارند و پس از بازنشستگی تا مدت ۲ سال نمی‌توانند تصدی هیچ منصب دولتی را بپذیرند و دیگر اینکه بعد از بازنشستگی نمی‌توانند در دادگاهی که قبلاً در آن خدمت می‌کرده‌اند یا شعبه‌های وابسته به آن به امور وکالت اشتغال ورزند.

شورای عالی قضایی

طبق ماده ۲۰۹ قانون اساسی پاکستان، شورایی است مرکب از: ۱. رئیس دیوان عالی کشور؛ ۲. دو تن از قضات ارشد دیوان عالی کشور؛ ۳. دو تن از قضات ارشد دادگاههای عالی ایالتی. تصمیمات شورا با اکثریت آرا اتخاذ می‌گردد. گزارشهایی را که رئیس جمهوری از این شورا درخواست می‌نماید نیز با نظر اکثریت تهیه و ارسال می‌شود.

وظایف شورای عالی قضایی

شورای عالی قضایی به اتهاماتی که علیه قضات دیوان عالی کشور و دادگاههای ایالتی و رئیس کمیسیون انتخابات وارد می‌گردد؛ شامل خیانت، معلولیت جسمی و ذهنی و جرایم سنگین اخلاقی، رسیدگی و گزارش آن را برای رئیس جمهوری ارسال می‌نماید. در صورتی که شورا رأی بر عدم صلاحیت یک قاضی بدهد، رئیس جمهوری می‌تواند وی را از منصب قضاوت برکنار نماید. در این صورت قاضی خاطی در هیچ‌یک از دادگاههای پاکستان نمی‌تواند برخلاف حکم صادره فرجام‌خواهی نماید.

شورای عالی قضایی در مدت تحقیق در مورد یک پرونده، از اختیاراتی معادل دادگاه عالی کشور برخوردار است، و لذا می‌تواند هرکسی را به دادگاه احضار نماید و دستور صادر کند که کلیه مدارک موردنیاز برای تحقیق را در اختیارش بگذارند و کسانی را که در راه تحقیق مانع ایجاد می‌کنند مجازات نماید.

شورای عالی قضایی برای قضات سراسر کشور آیین‌نامه انضباطی تهیه می‌کند که عمل بر اصول آن برای همه قضات ضروری است.

علاوه بر دیوان عالی کشور و دادگاههای عالی ایالتی، دادگاههای ذیل نیز با توجه به نوع جرم و میزان سنگین یا سبک بودن آن انجام وظیفه می‌نمایند:

۱. دادگاههای جنایی، اموری همچون

قتل، سرقت و ایجاد اغتشاش را مورد بررسی قرار می‌دهند. این نوع دادگاهها با توجه به نوع جرم به درجات مختلف تقسیم می‌شوند:

الف. دادگاه شهر؛

ب. دادگاه بخش؛

ج. دادرس درجه اول؛

د. دادرس درجه دوم؛

ح. دادرس درجه سوم.

۲. دادگاههای مدنی، اموری همچون اختلافات شخصی در معاملات و داد و ستدها را مورد رسیدگی قرار می‌دهند. این دادگاهها مجازات تعیین نمی‌کنند، بلکه حقوق طرفین دعوی را تعیین می‌نمایند.

الف. دادگاه بخش؛

ب. قاضی ارشد دادگاه مدنی؛

ج. قاضی دادگاه مدنی درجه اول؛

د. قاضی دادگاه مدنی درجه دوم؛

خ. قاضی دادگاه مدنی درجه سوم؛

و. دادگاههای جرایم سبک.

۳. دادگاههای مالی.

۴. دادگاهها و دیوانهای اداری.

۵. دادگاههای محاکمات سریع برای مبارزه با تروریسم.

دادگاه عالی شریعت

در اجرای قوانین اسلامی در ماه مه سال ۱۹۸۰ دادگاههای عالی شرعی تشکیل شدند که اکنون به صورت مستقل جزئی از قانون هستند.

توکب دادگاه عالی شریعت:

دادگاه عالی شریعت مرکب است از یک رئیس دادگاه و حداکثر ۸ قاضی مسلمان. از این عده ۴ نفر از میان قضاتی انتخاب می‌شوند که درگذشته یا حال قاضی دادگاه عالی باشند و یا اینکه صلاحیت قاضی شدن و قضاوت کردن را داشته باشند. ۳ تن از علمای کاملاً مسلط بر قوانین اسلامی نیز در این دادگاه حضور خواهند داشت. مدت خدمت قضات در این دادگاه ۳ سال است که در صورت موافقت رئیس جمهوری بیشتر می‌شود.

وظایف و اختیارات دادگاه عالی شریعت

۱. لغو قوانین منافی احکام قرآن و سنت، هر شهروند پاکستانی می‌تواند از دادگاه عالی شریعت سؤال نماید که آیا قانون مصوب مجلس مطابق قرآن و سنت هست یا نه؟ و دادگاه عالی شریعت این حق را دارد که در صورت خلاف شرع و سنت بودن یک

قانون آن را لغو نماید.

۲. نظارت بر احکام صادره بر مبنای حدود شرعی که از سوی دادگاههای پایین تر صادر می‌گردند. در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۷۹ ضیاءالحق برای اعمالی همچون کُرب خمر، سرقت، زنا و تهمت زنا دستور اجرا حکم شرعی صادر نمود.

۳. توهین به دادگاه؛ کلیه کسانی که به دادگاه و قضات اهانت می‌کنند مستحق مجازات هستند.

۴. دادگاه عالی شریعت برای تکمیل دادرسی خود هر شخصی را می‌تواند به دادگاه احضار کند.

۵. دادگاه عالی شریعت هرگونه اسنادی را می‌تواند برای تکمیل پرونده متهم درخواست نماید.

